

شهیدی که از پاکسازی میادین مین به دفاع از حرم رسید

همسر شهید ملک شاهی گفت: شهید اکبر ملکشاهی به قدری در پاکسازی میدان مین تبحر داشت که این کار را با چشم بسته هم می‌توانست به خوبی انجام دهد.

کرمانشاه- پرسون؛ شهید والامقام اکبر ملکشاهی در چهارم آبان سال ۱۳۴۵ در شهرستان قصرشیرین متولد شد، دوران ابتدایی و راهنمایی را در کرمانشاه گذراند و دوران دبیرستان را همزمان با عملیات‌های دفاع مقدس در جبهه سپری کرد. شهید ملکشاهی پس از اخذ مدرک دیپلم به عنوان نیروی بسیجی در جبهه‌های دفاع مقدس حضور فعالی داشت که در این دوران بالغ بر ۵۰ ماه را به دفاع از کشور و ارزش‌های نظام در آن مقطع زمانی پرداخت. سال ۱۳۶۶ شهید ملکشاهی وارد نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و به عنوان جانشین و فرمانده گردان در عملیات‌های متعدد به ویژه کربلای ۵ حضور یافت که در این عملیات مجروح شد و پس از اینکه سه ماه را در کما بود، به فضل خدای متعال به زندگی بازگشت. شهید ملکشاهی ۲۸ آذر ماه ۱۳۹۴ در یکی از ماموریت‌های محوله در کشور سوریه، در جریان مبارزه با تکفیری‌های داعش به خیل عظیم شهدا پیوست.

همسر شهید مطرح کرد: شهید اکبر ملکشاهی اواخر سال ۶۹ برای دفاع از کشور و نیز خاکبرداری، آموزش نیروهای انقلاب اسلامی و شناسایی دشمن بعثی، عازم عراق شد و در این راستا تنها راه ارتباط با وی از طریق مکاتبه و ارسال نامه بود یا اینکه ۴۰ روز یک‌بار به مرخصی می‌آمد.

به گفته همسر شهید اکبر ملکشاهی: این شهید والامقام طی این سال‌ها در سپاه حضرت نبی‌اکرم(ص) استان کرمانشاه مشغول به خدمات‌رسانی بود، همچنین بیشترین توجه را به خدمت در نظام معطوف می‌کرد، و در سال ۷۱ به تیپ انصارالحسین(ع) استان همدان منتقل شد و به عنوان جانشین یکی از گردان‌ها به فعالیت و خدمت به نظام پرداخت.

همسر شهید ملک شاهی گفت: شهید اکبر ملکشاهی همواره در حال خدمت به نظام و انقلاب بود به نحوی که لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و بارها اعلام کرد که «ما نظامی هستیم و برای کارهای دشوار آموزش دیدیم» و از پشت میزنشینی اکراه داشت.

همسر سردار شهید سرتیپ اکبر ملکشاهی اظهار داشت: این شهید والامقام در دهه ۸۰ از استان همدان به تهران انتقال یافت و طی این سال‌ها از رسته پیاده نظام وارد رسته(گروه) مهندسی شد و به عنوان کارشناس و فوق لیسانس رشته جنگ نرم (باتوجه به قابلیت و توانمندی که در این مسئولیت داشت و در دوران جنگ تحمیلی به عنوان تخریب‌چی مشغول بود) در نظام به خدمات‌رسانی می‌پرداخت که نقطه عطفی بر تحولات زندگی وی شد.

از خصوصیات اخلاقی شهید ملکشاهی

تمام کسانی که با اکبر ملکشاهی آشنایی داشتند می‌گویند شهید مدل سال ۵۷ مانده بود. ذره‌ای به دنیا دلبستگی نداشت مثل جوانان اول انقلاب بود. خیلی ساکت و کم حرف بود. خنده‌هایش حالت تبسم داشت. در عین حال خیلی احساساتی بود. چگونه اکبر ملکشاهی از پاکسازی میادین مین به فکر دفاع از حرم رسید؟

شهید ملکشاهی می‌گفت من آنقدر در بیابان‌ها و گرمای ۶۰ درجه می‌گردم تا شهید شوم. در مأموریت‌ها در گرمای ۶۰ درجه بیابان‌ها از شدت گرما کلاه حصیری شان می‌سوخت. می‌گفت من از این بمب‌ها و نارنجک‌ها دست برنمی‌دارم آنقدر می‌گردم تا به مرادم «شهادت» برسم.

نحوه شهادتش شهید والامقام

به گفته همسر شهید: گویا یک مین تله‌ای منفجر می‌شود و یک پای شهید را قطع می‌کند. مجروح می‌شود وقتی دوستانش با شنیدن صدای انفجار خودشان را به شهید ملکشاهی می‌رسانند با اینکه مین کوچکی منفجر شده بود، اما شدت جراحت به حدی بود که حالت غیرعادی ایجاد کرده بود. در همین حین اسلحه کلاشینکف وی در اثر گرما منفجر می‌شود و به شهادت می‌رسد.

به گفته همسر شهید: به دلیل مسائل امنیتی مجبور بود زمان تخریب مین، اسلحه همراهش باشد. وی ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه شنبه ۲۸ آذر ۹۴ یک روز قبل از شهادت امام حسن عسکری(ع) در شهر سلیمیه سوریه که نزدیک خاک ترکیه است مجروح شد و در حین انتقالش به بیمارستان سلیمیه به شهادت رسید. در حالی که ۴۹ سال از عمرش می‌گذشت به دوستان شهیدش پیوست. روز بعدش یک‌شنبه ظهر بود که خبر دادند مجروح شده است. اما من می‌دانستم شهید شده، شب دوشنبه معراج شهدا پیکر شهید را دیدیم و صبح دوشنبه در نیروی زمینی سپاه تشییع شد و طبق وصیتش در کرمانشاه و قطعه‌ای که برادرش به خاک سپرده شد، شهید را دفن کردیم. جالب است که پیکر اکبر را در مزار یک شهید مفقودالجسد دفن کردیم. این مزار توسط خانواده شهید به وی اهدا شده بود و به این ترتیب همسر در کنار دوستان شهیدش آرام گرفت.

شهید اکبر ملکشاهی در قسمتی از وصیت نامه خود این چنین نگاشته اند:

خدایا مرا به عنوان کوچکترین سرباز در صف جان بر کفان امام زمان قرار بده، و شما را به خدا و به اولیای خدا قسم میدهم که پشتیبان ولایت فقیه

باشید.
شما فرزندانم را به انجام فرایض دینی و قرار داشتن در راه راست و در خط ولایت فقیه سفارش می کنم. و با طلب حلالیت نمودن از همه به خصوص خانواده، فامیل، بستگان، حتی آشنایان و بعد با اعلام حلال کردن همه...
و در پایان با کلمه (الاحقر الاحقرین) آخرین متن دست نویس خود را به پایان رسانده.
یادش گرامی